ادامه از صفحه ۷

زندگی عجیب آقای جامعه‌شناس

نراقی از جمله به چند مورد پیشنهاد وزارت از سوی حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا اشاره کرده است: «شاید برای نخستین‌بار در زمان حسنعلی منصور بود که در یک شب‌نشینی که به مناسبت کنفرانس اقتصادی سازمان ملل در تهران در باشگاه افسران تشکیل شده بود، آقای منصور در حضور عبدالمجید مجیدی به من گفت کافی است تو اسمت را در حزب ایران نوین بنویسی تا من دو روز بعد که اعضای هیأت دولت را معرفی می‌کنم، تو را هم به‌عنوان وزیر فرهنگ که در آن زمان از آموزش‌وپرورش تفکیک نشده بود، معرفی کنم. من همان‌جا به او پاسخ دادم که به‌هیچ‌وجه داوطلب پست وزارت نیستم. سال‌ها بعد هم پس از اینکه مقاله من پیرامون فرار مغزها در روزنامه «نیویورک‌تایمز» به چاپ رسید و موقعیت من را در سازمان یونسکو مستحکم‌تر کرد، هویدا در یک دیدار به من گفت دیروز که در خدمت شاه بوده، هنگام معرفی مجید رهنما به‌عنوان وزیر علوم، او به هویدا می‌گوید: چرا نراقی را وزیر نمی‌کنی که هویدا بلافاصله جواب می‌دهد: او (نراقی) به هیچ وجه در خط وزارت نیست، ولی همواره حاضر است به دستگاه مشاوره بدهد و این برمی‌گردد به سابقه قبلی که از من داشت و بارها که این درخواست را از من کرده بود، به او جواب رد داده بودم».

نراقی و هدایت

نراقی یکی از آخرین رفقای بازمانده صادق هدایت و از قضا یکی از کسانی بوده که در روزهای آخر زندگی هدایت با او در تماس بوده است. هدایت قبل از خودکشی قصد سفر به ژنو را داشته و به ادعای نراقی که آن زمان ساکن ژنو بوده، او در حال حل مشکل صدور ویزای هدایت بوده که خبر خودکشی‌اش را می‌شنود. نراقی در پاسخ به این سؤال که «آیا فکر می‌کنید اگر صبح آن روز ویزا به دستش می‌رسید، خودکشی نمی‌کرد؟»، گفته است: «احتمالش خیلی زیاد بود؛ چراکه در آن مدت دائما دوست داشت از فضای سرد و مغموم آن زمان پاریس به ژنو و به‌ویژه نزد جمال‌زاده برود و البته فراموش نکنید که عواملی باعث تشدید افسردگی هدایت در آن زمان شد. یکی بیماری دوست عزیزش حسن شهیدنورایی بود که در شُرُف مرگ قرار داشت و هر روز از هدایت می‌خواست بر بالینش حاضر شود و دیگری بی‌اعتنایی دانشکده هنرهای زیبا به او بود که کارمند رسمی آنجا بود و فقط ماهی ۲۰۰ تومان به او می‌دادند. همه اینها به‌اضافه سرخوردگی عمیقی که او نسبت به جامعه فرهنگی و مردم عادی ایران [به خاطر تضاد زیاد فکری با آنها] داشت، دست‌به‌دست هم داد و آن فاجعه را پدید آورد». نراقی درباره چگونگی آشنایی‌اش با هدایت گفته است: «با هدایت در دوران دبیرستانم در کافه فردوس آشنا شدم و می‌دانید که من اواخر دوران دبیرستانم را در تهران گذراندم و اکثرا در منزل پسرعمه‌ام مهندس پرخیده اقامت داشتم و شرایطی پدید آمد که به مدت دو ماه صادق هدایت با ما در آن منزل هم‌خانه بود؛ بنابراین به او بسیار نزدیک شدم».

نراقی و نصر و فرح

نراقی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به سیدحسین نصر، فیلسوف سنت‌گرا پرداخته و او را «جاه‌طلب» و «حقه‌باز» خوانده است. نراقی روزهایی را به یاد می‌آورد که زمزمه ریاست نصر بر بنیاد فرح بر سر زبان‌ها افتاده بود و او به‌شدت در تلاش بود این سمت را به دست بیاورد: «هنگامی هم که پیش فرح رفتیم، در زمانی که نصر حضور نداشت، فرح به من گفت درباره نصر چه کار کنم؟ از وقتی نام او هم برای تصدی این پست مطرح شده، روزی ۱۰ بار به من زنگ می‌زند و می‌گوید بالاخره مسئله ریاست من چه شد؟ و این‌گونه بود که فرح را هم برای قبول این پست تحت فشار قرار داده بود؛ هرچند به بدطینتی فردید نبود که فکر نمی‌کنم انسانی به این پلیدی اصلا داشته باشیم؛ اما نصر فاقد آن حقیقت‌جویی و معنوی‌گرایی بود که وانمود می‌کرد».

شاملو، فروغ و گلستان

درباره شاملو هم که با او در کلاس سوم متوسطه در مدرسه ایران‌شهر هم‌کلاس بوده، گفته است: «نهایتا دیپلم هم نگرفت و به دنبال تحصیلات هم نرفت؛ ولی فرد هنرمند و بااستعدادی بود که آخر کلاس می‌نشست و ادای معلم‌ها و هم‌کلاسی‌ها را هم درمی‌آورد و دبیر فرانسه ما هم از او خیلی خوشش می‌آمد و دائما از او می‌خواست انشا بخواند؛ چراکه ادبیاتش از همان ابتدا خیلی خوب بود». نراقی درباره فروغ فرخزاد می‌گوید: «فروغ شاعر بسیار خوب و خانم بسیار تیزبین و حساسی بود؛ ولی نوع زندگی آزاد او را چندان نمی‌پسندیدم و بارها دراین‌باره به او گوشزد کردم که این نوع زندگی تو، نهایتا تو را به تباهی می‌کشاند». درباره ابراهیم گلستان بر این اعتقاد بود که «او با وجود ارزش‌های هنری‌ای که داشت، به نظر من متلون‌مزاج و بلاتکلیف بود. خیلی هم از موضع بالا با همه برخورد می‌کرد. من، فروغ را به‌مراتب به گلستان ترجیح می‌دادم».

politics@sharghdaily.ir

واکنش ایران به تمدید تحریم‌های ۱۰ ساله

ادامه از صفحه اول

البته رأی بالای کنگره به این مصوبه، اوباما را آچمز کرده و او می‌داند وتو نیز اثربخش نیست و با وتو مجدد کنگره مواجه می‌شود. ازهمین‌رو است که جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید می‌گوید: «بسیاری از اعضای کنگره نشان دادند از این قانون پیشنهادی (تمدید تحریم‌های ایران) قویا حمایت می‌کنند؛ زیرا معتقدند دولت باید قدرت لازم را جهت اعمال مجازات مالی علیه ایران داشته باشد. آنچه می‌توانم به شما بگویم این است که این دولت از اختیارات قابل توجهی برای اعمال تحریم‌ها علیه ایران استفاده و آنها را حفظ کرده است؛ زیرا برنامه موشکی بالستیک آنها مغایر با قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل است و حمایت آنها از تروریسم (مقاومت) ادامه دارد و دولت ایران تمایل دارد مرتبا حقوق بشر را نقض کند؛ بنابراین، این دولت بارها مجازات مالی و تحریم‌هایی را علیه ایران به خاطر این رفتار اعمال کرده است. ما اختیارات زیادی داریم و درباره استفاده از آنها نیز ابایی نداریم». این اظهارات در حقیقت دفاعی از عملکرد دولت اوباماست، اما هیچ اشاره‌ای به وتوکردن این قانون ندارد. به عبارت دیگر، کار از دست دولت اوباما خارج شده و این در حالی است که مقامات ایرانی تصویب قانون مذکور را نقض آشکار برجام می‌دانند.

نقض صریح برجام

بهرام قاسمی، سخنگو و رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای وزارت امور خارجه کشورمان دراین‌باره اعلام کرد: «مصوبه اخیر مجلس نمایندگان و سنای آمریکا برای تمدید تحریم‌ها علیه ایران مخالف برجام و تعهدات آمریکا در حقوق بین‌الملل مبنی بر مداخله‌نکردن در روابط داخلی و بین‌المللی سایر کشورهاست. براساس اصول اولیه حاکم بر روابط بین‌الملل، دولت آمریکا مسئول اجرای تعهدات بین‌المللی آن کشور است و تحولات سیاسی داخل آمریکا و ارتباطات میان قوای مقننه و مجریه آن کشور نمی‌تواند توجیهی برای اهمال یا استنکاف از اجرای تعهدات بین‌المللی آن کشور محسوب شود».

قاسمی با اشاره به اینکه «رئیس جمهور ایالات متحده در برجام پذیرفته است با استفاده از همه اختیارات خود، از قانونی و اجرائی‌شدن موارد مخالف برجام، از جمله مصوبه اخیر کنگره، جلوگیری کند» گفت: «جمهوری اسلامی ایران نشان داده است به توافقات بین‌المللی خود پایبند است، ولی برای همه شرایط پیش‌بینی‌های متناسب را کرده و آمادگی لازم برای پاسداری مؤثر، قوی و مدبرانه از حقوق مردم ایران در هر شرایطی را ایجاد کرده است». به گفته او، وزارت خارجه ایران، رفتار دولت آمریکا در این زمینه را دقیقا رصد و به هیئت نظارت بر اجرای برجام گزارش داده تا آنها اقدامات مقتضی را انجام دهند. همان اقداماتی که علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان هفته قبل در مورد آن گفت: «پیش‌بینی‌های لازم شده است».

این مقام مسئول ایرانی در مصاحبه‌ای با تأکید بر اینکه « این تمدید عملا نقض صریح «برجام» است، به‌ویژه اگر اجرائی و عملیاتی شود»، گفت: «ای‌اِس‌آ یا تحریم‌های ۱۰ساله اکنون وجود دارد، اما رئیس‌جمهور آمریکا آن را ملغی‌اثر کرده است و فعلا آثاری مترتب بر آن واقف نیست، اما اگر دوباره عملیاتی و اجرائی شود، نقض صریح برجام است». او که پیش‌تر هم گفته بود هیأت نظارت بر اجرای برجام همه پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده است، بار دیگر گفت: «این‌گونه نبوده است که ما در خلأ پیش رفته و عمل کرده باشیم؛ چون که پیش‌بینی‌های لازم را کرده‌ایم، اما فعلا نمی‌خواهیم اعلام کنیم چه کار خواهیم کرد؛ چون این موضوع را گذاشته‌ایم تا مسئولان نظام در زمان مقرر بنا به تشخیص به ما اعلام کنند و ما هم اقدامات لازم را انجام خواهیم داد».

نکته

صالحی: پیش‌بینی‌های لازم را کرده‌ایم، اما فعلا نمی‌خواهیم اعلام کنیم چه کار خواهیم کرد؛ چون این موضوع را گذاشته‌ایم تا مسئولان نظام در زمان مقرر بنا به تشخیص به ما اعلام کنند

از دیپلماسی تا بازدارندگی

مقامات ایرانی در حالی از نقض برجام سخن می‌گویند و درباره واکنش مناسب به آن فکر می‌کنند که برخی در آمریکا اساسا تمدید تحریم‌های مذکور را نشانه نقض برجام نمی‌دانند؛ برای مثال یک مقام کاخ سفید که نامش فاش نشده به رویترز گفته است: «ما فکر نمی‌کنیم تمدید قانون تحریم‌های ایران ضرورتی داشته باشد و معتقد نیستیم که تمدید دقیق آن توافق هسته‌ای را نقض خواهد کرد». براساس برجام باید همه تحریم‌هایی که به بهانه برنامه هسته‌ای ایران وضع شده بود، لغو شود و آمریکایی‌ها اکنون می‌خواهند تحریم‌های حقوق بشری و آن گروه از تحریم‌ها که به بهانه برنامه موشکی ایران و تروریسم اعمال شده به قوت خود باقی بماند؛ برای مثال «میتچ مک کونل»، رهبر اکثریت سنا مدعی شده «به دلیل فعالیت‌های تهاجمی ایران و تلاش دولت ایران جهت اعمال نفوذ بیشتر در منطقه، این تحریم‌ها ضروری است. از دولت ترامپ و کنگره جدید انتظار می‌رود که در سیاست‌های کلی در قبال ایران تجدیدنظر کنند». «گری‌پترز» سناتور دموکرات ایالت میشیگان نیز، دراین‌باره به نیویورک‌تایمز گفته: «این رژیم تحریم‌ها، ضامن پاسخ‌گویی ایران است و امنیت ما را تقویت کرده و از خصومت‌های ایران در قبال متحدان ما به‌ویژه اسرائیل جلوگیری می‌کند. دیپلماسی همیشه اولویت ماست. اما در خلأ جوابگو نیست. دیپلماسی تنها زمانی جواب می‌دهد که با بازدارندگی قابل‌اعتمادی همراه باشد».

گفتنی است، آنها منع فروش هواپیماهای مسافربری به ایران را نیز در همین راستا مطرح کردند. این طرح نیز در مجلس نمایندگان تصویب شده و اگر در سنا تأیید و به امضای اوباما برسد، اجرائی خواهد شد.

مقابله به‌مثل در مجلس

مقامات ایرانی به روشی که آمریکایی‌ها در پیش گرفته‌اند معترض هستند و شاهد بودیم که علاوه‌بر سخنگوی وزارت امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی، مجلس نیز به این رویه واکنش نشان داد و در پی تهیه طرحی دوفوریتی برای ممنوعیت استفاده از کالاهای آمریکایی برآمد. بهروز نعمتی، سخنگوی هیأت‌رئیسه مجلس، دراین‌باره گفت: «یکی از این اقدامات مجلس شورای اسلامی در مقابله با این اقدام (تمدید تحریم‌های ۱۰ ساله) تهیه قطع‌نامه‌ای است که به امضای ۲۲۰ نفر از نمایندگان رسیده و اقدام دیگر، تهیه طرح دوفوریتی ممنوعیت استفاده از کالاهای آمریکایی است که به هیأت‌رئیسه تقدیم می‌شود و این پاسخی به تصمیم مجلس آمریکاست».

محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید، نیز در واکنش به مصوبه اخیر کنگره گفت: «جمهوری اسلامی ایران ضمن پایبندی به تعهدات بین‌المللی، مطمئنا واکنشی جدی را در برابر این اقدام سنای آمریکا نشان خواهد داد و مانند گذشته راه خود را با توجه به منافع ملی ادامه می‌دهد».

اکبر رنجبرزاده، عضو هیأت‌رئیسه مجلس، نیز از تهیه طرحی سه‌فوریتی برای تکلیف دولت به ازسرگیری فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای خبر داد و گفت که این طرح در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس مطرح خواهد شد.

برخی دیگر از نمایندگان مجلس و چهره‌های سیاسی نیز واکنش‌هایی نشان دادند؛ واکنش‌هایی که گویا اصلا بد به دل مقامات آمریکایی نمی‌آورد و تغییر در موضع آنها ایجاد نمی‌کند. «کریس کوونز»، سناتور دموکرات ایالت دلاویر، روز پنجشنبه در پی تصویب قانون تمدید تحریم‌ها به نیویورک‌تایمز گفته بود: «در ایران شاهد خودنمایی‌های تهاجمی تندروها خواهیم بود. من انتظار دارم که جان کری تماس سفت‌وسختی با ظریف داشته باشد». این مطلب را یک سناتور دموکرات و درحالی‌که هنوز اوباما در رأس کار است، می‌زند بنابراین قابل پیش‌بینی است که با شروع کار دونالد ترامپ و قدرتمندترشدن جمهوری‌خواهان که از ابتدا مخالف برجام بوده‌اند، اوضاع بدتر می‌شود. روشن است که ایران نسبت به این‌گونه اقدامات طرف آمریکایی سکوت نمی‌کند و پاسخ‌های احتمالی وضعیت را پیچیده‌تر خواهد کرد. نگرانی از همین پیچیده‌شدن شرایط است که جان برنان، رئیس سازمان سیا، به جایی می‌رسد که درباره پاره‌کردن توافق هسته‌ای و نتایج فاجعه‌بار آن هشدار دهد.

بااین‌حال سناتور باب کورکر که از نامزدان احتمالی تصدی وزارت خارجه ترامپ است، اعتقاد دارد تمدید تحریم‌های ایران به آنها این توانایی را می‌دهد تا تحریم‌های لازمی را که اوباما برای اجرای برجام برداشته بود اجرائی کنند و ابزار لازم برای فشار به ایران را در اختیار داشته باشند. به‌هرحال هنوز دولت در دست اوباماست و در ۱۰ روز آینده مشخص می‌شود که او در این خصوص چه تصمیمی گرفته و آیا آخرین تلاش‌های خود را برای پایبندماندن به برجام به کار می‌گیرد یا خیر.

این فقط ایران نیست که منتظر تصمیم اوباما و اقدام نهایی آمریکا در این خصوص است، اتحادیه اروپا نیز دیروز اعلام کرد فعلا واکنشی نسبت به تصویب طرح تمدید قانون تحریم‌های ایران در کنگره آمریکا نشان نمی‌دهد. «مایا کوشیاجانسیچ»، سخنگوی این اتحادیه، گفت: «در ارتباط با تحریم‌هایی که سنای آمریکا تأیید کرد، ما تصمیم سنا را مورد توجه قرار داده و اکنون که طرح به کاخ سفید ارسال شده، تا تکمیل روند تقنینی منتظر می‌مانیم. به همین جهت در این مرحله اقدام بیشتری انجام نمی‌دهیم».

تقدیم استوارنامه سفیر ایران به ملکه بریتانیا

روابط ایران و انگلیس یک چالش دیگر را نیز پشت سر گذاشت و فصل جدیدی از این روابط با تقدیم استوارنامه سفیر کشورمان به ملکه الیزابت دوم آغاز شد. البته حمید بعیدی‌نژاد که از شهریورماه گذشته به‌عنوان سفیر در انگلستان است، پیش‌ازاین با تقدیم رونوشت استوارنامه‌اش به دولت انگلیس کار خود را رسما آغاز کرده بود و مراسم روز پنجشنبه یک مراسم نمادین بود. او طبق پروتکل‌های تشریفاتی و سلطنتی انگلستان باید با عالی‌ترین مقام حکومتی این کشور دیدار می‌کرد؛ دیداری که گفته می‌شود هماهنگی آن ماه‌ها طول می‌کشد. بعیدی‌نژاد سه ماه بعد از فعالیت در جایگاه سفیر به همراه یک نماینده سلطنتی (مارشال) و به وسیله کالسکه‌ای که از سوی کاخ سلطنتی به سفارت ایران فرستاده شده بود، به کاخ باکینگهام رفت و استوارنامه خود را به ملکه الیزابت تسلیم کرد. او بعد از این ملاقات در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «در ملاقاتی که با ملکه الیزابت در کاخ باکینگهام صورت گرفت، استوارنامه خود را رسما به وی تقدیم کردم. انگلستان کشور سنت‌ها و پروتکل‌ها است و طبیعتا این دیدار و تحویل استوارنامه نیز دارای پروتکل‌های مخصوصی است. کالسکه‌های مخصوص سلطنتی برای بردن سفرا و همسران آنها به اقامتگاه سفیر رفته و سپس با سپری‌کردن کل مسیر به کاخ ملکه وارد می‌شوند. طبق رویه‌های دیپلماتیک، سفرا در بدو ورود، با تحویل رونوشت استوارنامه خود به وزارت امور خارجه، کار رسمی خود را به‌عنوان سفیر آغاز می‌کنند؛ ولی اصل استوارنامه را در زمان مناسب که معمولا طول می‌کشد، به ملکه می‌دهند».

سفیر کشورمان در انگلستان افزود: «ملکه انگلستان به گرمی استوارنامه را که به امضای ریاست محترم جمهوری رسیده بود، دریافت کرد و ابراز امیدواری کرد که ارتقای جدید روابط دو کشور باعث شود که همکاری انگلستان و جمهوری اسلامی ایران هرچه بیشتر منافع دو ملت را در بر داشته باشد. در این ملاقات ازجمله درباره شرایط نوین جهان معاصر و چالش‌های جدیدی که این شرایط برای کشورها در آسیا، اروپا، آمریکا و خاورمیانه ایجاد کرده است، گفت‌وگو به عمل آمد».

این مراسم دقیقا پنج سال بعد از آن روزی انجام شد که عده‌ای در تهران به سفارت انگلستان حمله کرده، پرچم این کشور را پایین آورده و موجب قطع روابط شدند. هشتم آذر ۱۳۹۰ بود که عده‌ای به باغ قلهک رفته و به اموال و ساختمان سفارت انگلستان خسارت زدند. «ویلیام هیگ»، وزیر خارجه وقت این کشور، به پارلمان رفت و دستور تعطیلی سفارت انگلیس در تهران را صادر کرد. از طرف دیگر در اقدامی متقابل به دیپلمات‌های کشورمان ۴۸ ساعت فرصت دادند تا خاک انگلستان را ترک کنند. به‌این‌ترتیب روابط فی‌مابین تقریبا قطع شد. در پنج سال گذشته، سفارت عمان در لندن حافظ منافع ایران و سفارت سوئد در تهران حافظ منافع انگلستان بود. تلاش‌ها و تحرکات برای بازگرداندن روابط ایران و انگلستان به قبل از آذر ۹۰ از وقتی آغاز شد که حسن روحانی رئیس‌جمهوری اعتدال‌گرا پیروز انتخابات سال ۹۲ شد و اولین گام‌ها را برای بهبود روابط ایران با دنیا برداشت. او و محمدجواد ظریف، وزیر خارجه‌اش، در نخستین سفر خود به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل با «ویلیام هیگ»، وزیر خارجه وقت انگلستان، ملاقات کردند و ازآن‌پس نشانه‌هایی از ترمیم روابط مشاهده شد. دیدارهای دوجانبه معاونان وزرای خارجه دو کشور در حاشیه مذاکرات هسته‌ای نقش چشمگیری در کاهش تنش‌ها داشت و در نهایت سبب شد که روابط دو کشور در آبان ۹۲ از وضعیت «حفاظت منافع» به روابط در سطح کاردار غیرمقیم ارتقا یابد. «حسن حبیب‌الله‌زاده»، کاردار ایران و «آجی شارما»، کاردار غیرمقیم انگلیس شد. نتیجه تلاش‌ها و رایزنی‌های طرفین از آبان ۹۲ تا شهریور ۹۴ این بود که یک هیأت پارلمانی از انگلستان به ایران آمد و بعد از توافق هسته‌ای «فیلیپ هاموند»، وزیر خارجه وقت انگلستان، در سفری به تهران، سفارت این کشور را بازگشایی کرد. گروهی از همفکران همان عده‌ای که در آذر ۹۰ از دیوار سفارت بالا رفته بودند، در اعتراض مقابل سفارت جمع شدند؛ اما فضای روابط دو کشور با چهار سال قبل از آن خیلی فرق کرده بود و عزمی جدی برای بهبود روابط وجود داشت. سفرای دو کشور، شهریورماه گذشته معرفی شدند و حمید بعیدی‌نژاد که پیش‌ازآن مدیرکل امور سیاسی وزارت امور خارجه بود، راهی لندن شد. انگلستان نیز «نیکلاس هاپتون» را که بعد از «آجی شارما» کاردار شده بود، به‌عنوان سفیر معرفی کرد.آنها رونوشت استوارنامه‌های خود را به وزرای خارجه طرف مقابل تقدیم و کار خود را آغاز کردند. بوریس جانسون، وزیر خارجه انگلستان در بیانیه‌ای این موضوع را «لحظه‌ای مهم در روابط» ایران و انگلستان توصیف و مانند ملکه (در جلسه روز پنجشنبه) ابراز امیدواری کرد که همکاری سازنده‌تری میان دو کشور آغاز شود.

روزنه

قول سفیر کنیا برای پیگیری بازداشت شهروندان ایرانی

• مقامات قضائی کنیا دو شهروند ایرانی به نام‌های نصرالله ابراهیم و عبدالحسین قلی‌صفایی را به اتهام اینکه به قصد انجام عملیات تروریستی از سفارت اسرائیل در نایروبی تصویربرداری می‌کرده‌اند، دستگیر کرده‌اند. به گزارش مرکز دیپلماسی رسانه‌ای وزارت امورخارجه، بعد از انتشار این خبر، سفیر کنیا به وزارت امور خارجه کشورمان دعوت شد و در این ملاقات قول داد که موضوع را به‌سرعت پیگیری کند و نتیجه اقدامات خود را اطلاع دهد. بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، با اعلام این خبر، گفت: «عبدالحسین صفایی و سیدنصرالله ابراهیمی از وکلای رسمی دادگستری و استادان دانشگاه که از سوی خانواده دو زندانی ایرانی در کنیا به‌منظور پیگیری و مشاوره حقوقی زندانیان مذکور به نایروبی رفته‌اند، روز سه‌شنبه در بازگشت از دیدار با زندانیان، با بروز یک سوءتفاهم، از سوی پلیس مورد سؤال قرار گرفتند که با پیگیری‌های به‌عمل‌آمده و رفع سوءتفاهم آزاد شدند؛ اما متأسفانه سوءاستفاده و ورود برخی طرف‌های ثالث به این موضوع، منجر به بازداشت مجدد دو وکیل مزبور از سوی پلیس کنیا در روز پنجشنبه شد».

او افزود: «در پی این رویداد، علاوه‌بر پیگیری‌های سفارت کشورمان در نایروبی با وزارت‌خارجه و پلیس محل، سفیر کنیا در تهران نیز عصر پنجشنبه به وزارت امور خارجه دعوت شد و ضمن اعتراض به مداخله مغرضانه «طرف ثالث» در یک موضوع خاتمه‌یافته که بدون‌تردید با قصد تخریب روابط خوب ایران و کنیا صورت گرفته، پیگیری جدی موضوع درخواست و بر ضرورت آزادی فوری این دو شهروند ایرانی تأکید شد». قاسمی ابراز امیدواری کرد با توجه به هویت شناخته‌شده وکلای مذکور، روند رسیدگی به این رویداد تحت‌تأثیر خبرسازی‌های بدخواهان روابط دو کشور قرار نگرفته و با پیگیری جدی و تعامل مسئولانه دولت و قوه قضائیه کنیا، دو شهروند ایرانی فورا آزاد شوند.

خبرگزاری‌های خارجی درباره بازداشت این دو نفر گزارش داده بودند که آنها به همراه یک راننده کنیایی در خودرو متعلق به سفارت ایران بوده‌اند و براساس آنچه در دادنامه آنها آمده است، درحالی‌که از سفارت اسرائیل فیلم‌برداری می‌کردند، دستگیر شده‌اند.